



مرکز ملی باوردهای علمی و فناوری

سازمان بنادر و دریانوردی به عنوان تنها مرجع حاکمیتی کشور در امور بندری، دریایی و کشتی‌رانی بازرگانی به منظور ایفای نقش مرجعیت دانشی خود و در راستای تحقق راهبردهای کلان نقشه جامع علمی کشور مبنی بر "حمایت از توسعه شبکه‌های تحقیقاتی و تسهیل انتقال و انتشار دانش و سامان‌دهی علمی" از طریق "استانداردسازی و اصلاح فرایندهای تولید، ثبت، داوری و سنجش و ایجاد بانک‌های اطلاعاتی یکپارچه برای نشریات، اختراعات و اکتشافات پژوهشگران"، اقدام به ارایه این اثر در سایت SID می‌نماید.



سازمان بنادر و دریانوردی

زنان، روان‌شناسی و امر بهداشت، ایمنی

و حفظ محیط زیست دریایی

حمید ودادی؛ مدرس اسبق روانشناسی و علوم تربیتی پژوهشگر مطالعات

اجتماعی و فرهنگی

مشاور مرکز تحقیقات سازمان بنادر و دریانوردی

چکیده:

برون‌داد موضوع‌های بنیادی و زیرساختی که به واسطه عمل و اقدام کنشگران و بازیگران اقتصادی، اجتماعی و سرمایه‌های طبیعی، نوآورانه، صنعتی و تاسیساتی حاصل می‌شود خواه در مفهوم توسعه و خواه در مفهوم جامع‌ترش یعنی «توسعه متوازن و پایدار» نیازمند تحقق زمینه‌هایی است که سرمایه‌های انسانی متخصص و کارآمد، در مجموعه‌ی کنشگران و بازیگران که در فوق به آن‌ها اشاره رفت، حضور موثر، سرآمد و نافذ داشته باشند.

نگاهی تاریخی - تطبیقی به جوامع توسعه یافته بیان‌گر بهره‌گیری جامعه از تمامی ظرفیت‌های ممکن است که بتوانند در فرایند توسعه‌آفرینی، حامل یک بار ظرفیتی برای تشکیل حلقه‌ای از زنجیره امر توسعه باشند. در این خصوص، سرمایه‌های انسانی، یکی از جمله‌ی قابلیت‌های مورد نظر را تشکیل می‌دهند. قابل توجه است که بررسی‌های تاریخی تا پیش از مطالعات معاصر، نشان می‌دهند که در تجمیع این ظرفیت‌ها، با نرخ بسیار اندکی به ویژگی‌های منحصر

به فرد فردی و صفات جنسیتی هم‌چنین انطباق‌های روانی بین کنشگر و موضع عمل (function) توجه شده است.

در مطالعات تاریخی - تطبیقی به «زنان»، به عنوان نیمی از واقعیت کنشگران و بازیگران اجتماعی، هرچند بسیار دیر، اما و بالاخره توجه شده است. در همین راستا، با تاکید بر توانایی‌های آنان و با هدف گذار و نیل به سمت توسعه پایدار و متوازن از ورودشان به مراکز علمی، دانشگاهی، فضاهای کار حرفه‌ای، پزشکی، فنی و مهندسی، هوا و فضا، دریانوردی و ... نیز استقبال شده است. استقبالی که در حال حاضر و به عنوان نمونه در جامعه ما، شاهد رشد شاخص‌های حضور آنان در دانشگاه‌ها به عنوان دانشجو، اعضای هیئت علمی، پزشک متخصص و ... هستیم.

اما و این مقاله تحقیقی - پژوهشی بر نکته دیگری دست یافته است که آن، بهره‌مندی زنان از صفات و ویژگی‌هایی است که در تعامل با موضوع‌هایی چون بهداشت، ایمنی و حفظ محیط زیست، ظرفیت و قابلیت افزون‌تری را نسبت به مردان روایت می‌کند.

این مقاله با تاکید بر دانش روان‌شناسی و مطالعات فیزیولوژیک زنان نتیجه می‌گیرد که در امر مدیریت و کارشناسی بهداشت، ایمنی و محیط زیست (دریایی، جنگلی، کویری و ...)، ضرورت وجود یک نگاه جنسیتی زنانه، امری قطعی است و این قطعیت، به عنوان یک قابلیت بنیادی برای تحقق امر توسعه پایدار و متوازن است.

واژه‌های کلیدی: نگاه جنسیتی. موضع (function)، نقش‌پذیری مادرانه، امر

مادرانه، گزینش برپایه صفات جنسیتی، اصل حقانیت

این مقاله پژوهشی نسبت به تبیین موضوعی متوجه است که فرایند آن تاکید چینی است:

«نسبت به امر ایمنی، بهداشت و حفظ محیط زیست دریایی، ساحلی و بندری، وجود نگاه جنسیتی امری ضروری است». منشا این تاکید برخاسته از سه محور اصلی است. اول مفاهیم متبادر از وجود نگرش‌های خاص زنانه بر پایه دانش روانشناسی نسبت به موضوع محیط زیست، ایمنی و بهداشت، دوم، فیزیولوژی زنان در اثرپذیری خاص آنان از عارضه‌های زیست محیطی، بهداشتی و ایمنی، سوم، وجود قشر خاصی از زنان به عنوان «همسر دریانورد» که به صورت غیرمستقیم، تبعات حرفه همسر را از بعد انجام ماموریت دریایی، تحمل می‌کنند.

بر این پایه به نظر می‌رسد که دخالت دادن مبحثی این چنین در فضای حرفه‌ای، اندیشمندانه و مطالعاتی ارگان‌های دریایی کشور، باعث جذب نگاه کلان تصمیم‌سازان در توجه به بیش از نیمی از جمعیت خانواده دریاییان خواهد شد که به صورت غیرمستقیم، اما در اثرپذیری مستقیم از رفتار سازمانی سازمانی که همسرشان و یا خودشان شاغل در آن هستند، قرار دارند.

فراموش نشود که همسران مردان شاغل در ارگان‌های دریایی کشور و به طور کلی تمامی سازمان‌ها از هر جنس فعالیتی که برخوردار باشند، جزو مخاطبان اصلی عارضه‌های ناشی از مسایل سازمان‌ها و از آن جمله، موضوع ایمنی، سلامت و بهداشت روانی و جسمانی عارض شده بر همسران خود و مسایل مرتبط با آنان هستند. در یک مطالعه موردی، مردان آسیب دیده از حوادث کارگاهی، کارخانه‌ای و محیط‌های کار آلوده، به نحو صد در صد اذعان داشته‌اند که تیماردار واقعی آنان مادر و یا خواهرشان - در وضعیت مجرد - و

همسرشان - در وضعیت تاهل - بوده‌اند. این تکلیفی خاص را پیش روی قرار می‌دهد که می‌توان از طریق اعمال نگاه جنسیتی به موضوع از یک‌سو و از سوی دیگر استخدام و معرفی زنان تحصیل کرده در HSE، محیط زیست دریایی و ... برای احراز پُست‌های ممتاز سازمانی برای مدیریت این‌گونه از ضرورها، به آن پرداخت.

و نکته دیگر در اهمیت‌گذاری به این موضوع را، می‌باید از منظر قابلیت‌های خاص زنان جستجو کرد. در این زمینه به نظر می‌رسد اطلاع‌اندک ما از ویژگی‌های فیزیولوژیک، روان‌شناختی و کنش‌های رفتاری زنان، سبب شده است تا به قابلیت‌های آنان را در احراز پُست‌های مدیریتی، نظارتی، تصمیم‌سازی، پشتیبانی‌کننده و مروج فرهنگ مرتبط با امر محیط زیست، ایمنی و بهداشت، در سطح شایسته‌ای ننگریم و این در حالی است که از نگاه این تحقیق، این قابلیت‌ها می‌توانند مبنایی برای اولویت انتخاب آنان برای پست‌های مدیریتی موضع (function) مورد نظر و درک ضرورت برای اعمال نگاه جنسیتی به موضوع ایمنی، بهداشت و محیط زیست باشند.

روش مطالعه

روش این مطالعه، بر مبنای قاعده تحلیل معنایی صورت پذیرفته است. طی این روش و با بررسی رساله‌های پژوهشی، کتاب و مقاله‌های علمی مرتبط با موضوع، آنچه را که دلالت بر مفاهیم زیر داشته‌اند استخراج و به عنوان یافته‌های مطالعاتی چیدمان شده‌اند.

- چگونه زنان و در تفاوت خاص با مردان در معرض آسیب‌های زیست محیطی، بهداشت و ایمنی قرار دارند.

- چگونه زنان و به صورت غیرمستقیم، در تحمل آثار نامطلوب عارضه‌های زیست محیطی، بهداشتی و ایمنی با همسران خود شریک می‌شوند.

- در مقایسه با مردان، چگونه زنان، با حساسیت بیشتری، مسایل محیط زیست، بهداشت و ایمنی را درک و در دفاع و اعمال مداخله برای بهبود، جدی‌تر از مردان عمل می‌کنند.

در یک چیدمان مبتنی بر نظام هر منونیک و تحلیل معنایی که در چارچوب کمیت و کیفیت مصداق‌های فوق صورت می‌گیرد، می‌توان درستی یا غلط بودن «امر اعمال نگاه جنسیتی به مسایل زیست محیطی، بهداشت و ایمنی» را خاصه در چارچوب فعالیت ارگان‌های دریایی کشور، دریاها، سواحل و بنادر، ارزیابی کرد.

بر اساس مبانی هرمنوتیک و تحلیل معنایی و اتخاذ روش مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای، داده‌ها و «یافته‌های مطالعاتی» انتخاب و حاصل از «کثرت» عناصر تاییدکننده خوانش‌های دال بر ترجیح زنان، نتیجه‌گیری نهایی برای پاسخ به پرسش اصلی به عمل آمده است.

طرح پرسش

پرسش اصلی این مقاله پژوهشی، وابسته و متصل به اهمیت موضوع است. در تشریح «اهمیت موضوع» مذکور شد که : نسبت به امر ایمنی، بهداشت و حفظ محیط زیست دریایی، ساحلی و بندری، وجود نگاه جنسیتی ضروری است. و لذا، پرسش کلیدی به این شرح طرح و تحقیق بر جستار موضوع محقق می‌شود.

چرا، نسبت به امر ایمنی، بهداشت و مراقبت از محیط زیست،
 ضرورت اعمال نگاه جنسیتی احساس می‌شود؟

مبنای نظری تحقیق

ژان پیر شانژو^۷، با مبنا قراردادن اصل «تعقل»، «اصل حقانیت» را در «معقول‌ترین طرح عمل» جست‌وجو می‌کند. او با توجه به نظریه‌های جدید تکاملی توجه را به تفاوت‌های برجسته‌ای در سرعت تکامل انواع جلب می‌کند. تفسیر «اصل حقانیت» بر پایه «معقول‌ترین طرح عمل» را بر نظریه «برتراند راسل» که با عنوان «مساعدترین عمل» شناخته می‌شود استوار ساخته است. برتراند راسل نظریه‌اش را این‌گونه بیان می‌کند:

«عملی به طور ابژکتیو درست است که در میان امکان عمل‌های
 دیگر، بهترین نتایج را به بار آورد».

ریشه‌ی این مبنای نظری را می‌باید در نظریه «عمل بسنده» اسپینوزا یافت، جایی که وی بحث «تعقل» را با «سنتز هنجارمند» که به صورت اعمال مساعد انسانی عرضه می‌شود، تحلیل و بیان می‌کند.

^۷ - دانشمند معاصر و نظریه‌پرداز در زمینه نوروبیولوژی (عصب - زیست شناسی). استاد دانشگاه پاریس. مجموعه تحلیل‌های علمی او در کتاب گران سنگ «انسان نرونی» مذکور است.

مقدمه

ارایه مراقبت‌های ایمنی و زیست محیطی، در هر فضا و موقعیتی که اتفاق می‌افتد، حرکت و اقدامی به سمت ایجاد جامعه سالم است. این نوع از خدمات فرامادی، سلامت فردی و جمعی را به صورت متوازن و یکپارچه و با رویکرد «فردمحور» و «جامعه مدار» به گونه‌ای عرضه می‌نمایند که در نهایت، شاخص‌های کلی ایمنی و زیست محیطی در محیط کار، محیط زیست، فضای عمومی و فضای خصوصی، جایگزین شاخص‌های نامطلوبی مانند بیماری، قطع عضو، آسیب روانی، آسیب به محیط زیست دریایی، جنگلی، کویری، شهری، آب و هوا، مواد غذایی و مصرفی، بدنه‌های اجتماعی، رفتارها و کنش‌های ارتباطی با محیط می‌شوند.

افزایش سرعت پیشرفت در تکنولوژی و صنعت و ارتقا دانش بشری همواره عملکردی دوسویه داشته است. از جهتی، بنای آسیب رسانی به انسان و سلامت او، محیط‌های کار و محیط زیست شده است و از سویی دیگر، باعث افزایش عرضه و تقاضا برای ارایه و دریافت خدمات مرتبط با ایمنی و بهداشت و مسایل زیست محیطی بوده است. این وضعیت نه به مفهوم یک پارادوکس، بلکه و دقیقاً، جریانی واقعی از جریان زندگی و دارای ماهیتی «جامعه‌ای» است.

در این میان، وقتی صحبت از زندگی و جامعه می‌شود، ضرورت اعمال و به کارگیری «نگاه جنسیتی» نیز مطرح می‌شود. چه آن که زنان، نه فقط نیمی از جامعه هستند بلکه و با اندکی تفاوت، سهم بیش‌تری از جنسیت را در جامعه‌ها تشکیل می‌دهند.

در متن این مقاله پژوهشی خواهیم دید که «امر توسعه» دارای پیامدهای ناخواسته خاصی برای «زنان» بوده است، ضمن آن، به وضوح می‌توان دید که در

پی ضایعات زیست محیطی و کاهش سطح بهداشت و ایمنی در محیط‌های اجتماعی و از آن جمله محیط کار، اگرچه زن و مرد را به صورت مشترک در هدف خود داشته است، اما و همیشه این زنان بوده‌اند که همواره در معرض آثار مضاعف ناشی از «امر توسعه» قرار گرفته‌اند.

عارضه‌های ناشی از عوامل محیطی ناشی از آسیب‌دیدگی محیط زیست (رجوع شود به متن مقاله، بعد اول و بعد هفتم از یافته‌های مطالعاتی)، ابتلا به بیماری‌های خاص زنانه که ناشی از فقدان بهداشت، ایمنی و مسایل زیست محیطی پیش روی زنان قرار می‌گیرد و از سویی دیگر وجود صفت‌های ویژه زنانه که دقت نظر آنان را به مسایل ایمنی، بهداشت و محیط زیست در تفاوت بنیادین با نگرش‌های مردان نشان می‌دهد (رجوع شود به بعد ششم)، این نتایج را تثبیت نموده است که در وهله نخست باید به موضوع ایمنی، بهداشت و مسایل زیست محیطی نگاه جنسیتی داشت و در مرتبه دوم، زنان را باید از طریق استخدام منصوب نمودن در پُست‌های سازمانی مرتبط با موضوع ایمنی، بهداشت و مسایل زیست محیطی وارد به فرایندهای مرتبط با تحلیل وضعیت، تدوین استراتژی، اجرا و ارزیابی استراتژی‌های بهداشت، ایمنی و زیست محیطی نمود. این موضوع برای سازمان بنادر و دریانوردی از منظر حاکمیتی به مسایل زیست محیطی دریاها، سواحل و بنادر و وضع راه‌بردهای بهداشت و ایمنی، شرکت‌های بهره‌بردار از خدمات دریانوردان از زاویه اثر مأموریت دریایی مرد دریانورد که بر خانواده و به ویژه بر بهداشت و سلامت روانی همسر و فرزندانش دارد، همچنین ضرورت مراقبت از زیست محیط و زیست بوم و مراقبت‌های ایمنی فرد دریانورد که در محیط کار - کشتی و در تعامل با دریاها، بنادر و سواحل می‌باید مجری خوبی برای ضوابط باشد و بالاخره مجموعه ارگان‌های دریایی که بر صورت‌های دیگری

در تعامل با منابع انسانی، دریا، بندر و سواحل قرار دارند، فوق‌العاده حایز اهمیت و توجه است که شایسته است تا این حوزه از برنامه‌های مدیریتی، بیش از این‌ها دقیق به آن‌ها باشند.

یافته‌های مطالعاتی

جدای از آن که زنان نیمی از افراد جامعه را تشکیل می‌دهند و همین عاملی موکد برای درک ضرورت به کارگیری امر جنسیت در ایمنی و محیط زیست و بهداشت است، مسلماً سلامت زنان در محیط کار، محیط زندگی، جامعه و رفتارمندی‌های مرتبط با رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و علمی، «مطمئن‌ترین راه نیل به اهداف کلی سلامت و ارتقا کیفیت زندگی برای همه انسان‌ها خواهند بود».

W.H.O.Kobe Center 2001 and W.H.O, Kobe Center)

(2000

ضرورت به کارگیری نگاه جنسیتی با تاکید بر ملاحظه زنان به مسایل ایمنی، بهداشت و محیط زیست از چندین بُعد حایز اهمیت است و طبعاً محدود کردن موضوع به رویکرد فقط مردانه، به مفهوم کاهش ابعاد ارزشی، دانشی، فرهنگی و عملیاتی تا حد حداقل پنجاه درصد توجه به امر مورد نظر است.

ابعاد و جنبه‌های مورد نظر به این شرح هستند:

بُعد اول: زنان تا زمانی که از انجام مسوولیت‌های محوله ناتوان و درمانده نشوند «سالم» تلقی می‌شوند (احمدی، بتول، ۱۳۸۶)، در حالی که آنان با

محوریت خاص فیزیولوژیک زنانه همواره در معرض آسیب دیدگی از ناحیه مسایل ایمنی، بهداشتی و زیست محیطی قرار دارند.

آلودگی‌های زیست محیطی که موجبی برای تحرک بیماری‌های گرمسیری^۸ هستند، علت عمده مرگ یامعلولیت در بسیاری از کشورهای عقب‌مانده و یا در حال توسعه هستند و این موضوع، زنان را در مرتبه نخست هدف می‌گیرد. سوء تغذیه و کم‌خونی، دو متغیری هستند که بلادرنگ و ناشی از فقر عمومی، فقر بهداشتی و فقر ایمنی، همچنین عارضه‌های ناشی از آلودگی‌های زیست محیطی که مزارع کشاورزی و کشتزارها را در کشورهای عقب‌مانده و یا در حال توسعه در معرض تهدید قرار می‌دهند، ابتدا زنان را دربرمی‌گیرد. عارضه سل در نُرْم منطقه‌ای خود سهم زنان را از هر پنج نفر سه نفر می‌داند هرچند که در نُرْم کل جهانی شیوع آن در مردان بیش‌تر از زنان است. آلودگی‌های زیست محیطی، به ویژه آلودگی آب‌ها که آبیاری باغ‌ها، مزارع و کشتزارها را آسیب می‌رساند، برای سلامت زنان افزون‌تر از مردان است و این افزونی را برای زنان باردار باید جستجو کرد. سقط، زایمان زودرس، جنین ناقص الخلقه و حاملگی خارج از رحم تهدیدهای جدی ناشی از این موضوع هستند. مزید بر این‌ها باید به آثار سوء‌گازهای گلخانه‌ای بر سلامت افراد باید اشاره کرد که از نمونه‌های خاص آن در خصوص زنان، افزایش میزان سرطان‌های ویژه و منحصر زنان است.

محیط فیزیکی تاثیر زیادی بر سلامت و رفاه اجتماعی زنان دارد (WHO.kobecentre-2000: 150-155)، اما و همواره این محیط در

⁸ -Tropical diseases

معرض تهدید است و در ماهیت خود، زنان را در مرکز آسیب‌دیدگی قرار می‌دهد. بر اساس یک ارزیابی و نمونه‌برداری منطقه‌ای، نزدیک به هشتاد درصد از بیماری‌ها در کشورهای در حال توسعه می‌تواند مربوط به آب ناسالم و عدم رعایت بهداشت در زمینه دفع فضلاب باشد (Smyke.p-199: 32). این نکته در رفتارمندی‌های خاص زنانه هم‌چون: ضرورت برخورداری از مشخصه‌های مادری ایمن، پرورش جنین سالم و زایمان طبیعی، بدون عارضه عفونی و مرگ و میر مادر یا جنین و سلامت دختران فوق‌العاده قابل تایید است.

زنان استعداد متفاوتی برای پذیرش و استقبال از عارضه‌های زیست محیطی در مقایسه با مردان دارند و در بسیاری از محیط‌های آلوده صنعتی یا کشاورزی، یا خانگی و یا در کناره‌های ساحلی و دریایی، بیش از مردان آسیب می‌بینند.

تفاوت در نوع آسیب‌دیدگی زنان نسبت به مردان نیز، صرفاً به تفاوت‌های فیزیولوژیک آنان باز می‌گردد. پوست بدن زنان در برابر مواد شیمیایی خطرناک در مزارع و یا کارخانه‌ها و استفاده غیربهداشتی و غیراصولی از آفت‌کش‌ها و حشره‌کش‌ها و نیز اشعه، بسیار حساس‌تر از مردان است ضمن آن‌که بر اثر این عناصر بر قابلیت بارداری زنان نیز باید تاکید داشت.

بُعد دوم: تا قبل از سال ۱۹۷۰ میلادی رویکرد جنسیتی به توسعه وجود نداشت و آثار توسعه بر مردان و زنان یکسان پنداشته می‌شد، اما با رواج مدرن سازی و نابودی اقتصاد سنتی، ملاحظه شد که بیش‌ترین لطمه را در این فرایند، زنان متحمل شده‌اند. از این پس بود که پروژه‌ها به سمت زنان سوق یافت و به مسایل آنان به طور خاص توجه شد (خانی، فضیله، ۱۳۸۷، ص ۱۹). زنان در زمینه‌های اقتصادی کشاورزی، ماهی‌گیری و صید، عرضه ماهی و دیگر آبزیان در بازارهای هدف، هم‌چنین باغداری و کار در شالیزارها بیش‌ترین آسیب‌ها را تجربه

کردند. از سویی دیگر نیز، همواره بیش‌ترین آثار ناشی از فرایندهای جهان صنعتی شده را، آنان تحمل کردند چرا که گریزی از آن، به لحاظ فیزیک و فیزیولوژی بدن، سلامت باروری، مادری ایمن و تفاوت‌های جنسیتی در ابتلا به بیماری‌ها نداشتند.

علاوه بر این باید یادآوری کرد که شرایط نایمن روانی و فقدان محیط سرشار از بهداشت که بهداشت روانی و جسمانی را به صورت توأمان تامین می‌کند، بر زنان اثرهای ویژه‌ای دارد که بر مردان ندارد. زنان به لحاظ نوع هورمون‌های برون‌ریز و برخی از هورمون‌های درون‌ریز خود در برابر داروهای ضدافسردگی، مقاومت ویژه‌ای از خود نشان می‌دهند، هم‌چنین است مقاومت قابل توجهی که در برابر داروهای آرام‌بخش دارند. این ویژگی ما را متوجه می‌سازد که در مسایل توسعه، به طور قطع می‌باید مبادرت به اتخاذ یک نگاه جنسیتی داشت و حتی اگر هضم و پذیرش درد از سوی زنان را، هم ناشی از شرایط فیزیولوژیک و مقاومت خاص جنسیتی و هم برخاسته از «امر سازش با درد» تلقی کنیم، به هر حال این توجهی برای کنار گذاشتن «نگاه جنسیتی» به امر توسعه نیست.

بُعد سوم: در سازمان‌های اداری، به جنبه ویژه‌ای از کارکنان که شامل زنان شاغل در بیرون از منزل می‌شود، عملاً بی‌توجهی‌های خاصی صورت گرفته است و دو متغیر «ایمنی روانی» و «بهداشت روانی» آنان را تحت‌تاثیر قرار داده است. از سویی دیگر دو عامل «سقف شیشه‌ای» و جریان «نگاه مردانه» به فضاهای کاری باعث آن شده است که به مسایل زنان در زمینه ایمنی و بهداشت، عملاً توجهی نشود.

کاهش بودجه رفاهی سازمان‌ها، اول ضربه را به زنان وارد می‌کند و هم‌عرض با آن، ناهنجاری‌های اجتماعی - اقتصادی در جوامع رو به توسعه، اجحاف، استثمار

و سواستفاده بیش‌تر از کار زنان را موجب می‌شود.

بُعد چهارم: تاکید این بعد بر اثر غیرمستقیم رفتارهای سازمانی بر سلامت و بهداشت روانی زنان است. زنان، جدای از اثرپذیری مستقیم از رفتارهای سازمانی، که برای زنان شاغل مطرح است، دارای نوعی اثرپذیری غیرمستقیم نیز هستند. این اثرگذاری، به طور غیرمستقیم و به واسطه مرد، به همسر خود منعکس می‌شود. این اثرگذاری هم برای زنان شاغل و هم برای زنان خانه‌دار مطرح است (ودادی، حمید، جواهری، اشرف، ۱۳۷۸، ۱۶۸). ماهیت این اثرپذیری از سوی زنان، بازگشت به جنبه‌های عاطفی و نگاه تیمارگرایانه زنان از مردان دارد (ودادی، حمید، جواهری، اشرف، ۱۳۷۸، ۱۷۳). این فرایند زمانی متوجه زن می‌شود که همسر او، بار آسیب متحمل شده در فضای سازمانی را، از طریق بازتولید رفتاری و یا تخلیه روانی، در فضای خصوصی خانه مطرح کند.

بُعد پنجم: سازوارترین و نمایان‌ترین شکل تجلی بُعد چهارم مطرح شده در فوق را می‌توان در زندگی دریانوردان جستجو کرد.

دریانوردی، سبک خاصی از زندگی را پیش روی خانواده و به الزام در مقابل زن به عنوان «همسر یک دریانورد» قرار داده است. در این سبک از زندگی، دریانورد و همسرش در شکل خاصی از زندگی مشترک هستند چرا که بخش قابل توجهی از زمان با هم بودن، صرف با کشتی بودن می‌گذرد. این سبک از زندگی، عمیقاً زن و مرد را از حیث بهداشت و ایمنی روانی تحت‌تاثیر قرار داده است، هرچند که پرواضح است، شاخص‌های اثرپذیری زنانه، چه از ابعاد کمی، تنوع و کیفی گرایانه، چشم‌گیرتر از اثر این سبک زندگی بر مردان است (ودادی، حمید، ۱۳۸۳).

علایم قابل تاکید اثر حرفه دریانوردی بر همسر دریانورد، بازگشت به امر

جنس زنانه دارد و بر آن موضوع «روان‌شناختی زنانه» ناظر است، همسر یک دریانورد، به مانند سایر زنان، در برابر مشکلات عمومی زندگی توان‌سازگاری بیش‌تری نسبت به مردان ندارد، اما یک همسر دریانورد، به مانند دیگر زنان، تمایل بیشتری دارد که «مشکلات خود را بپذیرد». در این زمینه، باید دانست که در برابر اختلال‌های روان‌شناختی، مردان و زنان تشخیص‌های متفاوتی را دریافت می‌کنند. همسر یک دریانورد، در شرایط دوری از مرد خود، فرایند افسرده شدن را به ترتیب از «جنبه‌های عاطفی» آغاز می‌کند، پس از آن، «انگیزش ضعیف» را تجربه می‌کند، «جنبه‌های رفتاری» نیز از جمله آثاری هستند که آرام، آرام نمایان می‌شوند (ودادی، حمید، ۱۳۸۳). این نکته را بسنجید با این داده آماری که: در میان افرادی که تحت درمان افسردگی هستند، نسبت زنان به مردان دو به یک است (نولن، هواکسی، ۱۹۸۷) و تحت همین وضعیت است که اثر روانی دور از همسر بودن برای زن، به میزان بیش‌تری از مرد قابل تایید است.

در خصوص همسر دریانوردان، این نکته مورد تایید است که از منظر رفتارگرایی، زن به عنوان همسر دریانورد تقویت‌های کافی برای اعمال خود، هنگامی که مرد در سفر دریایی است و او از فرزندان و زندگی مشترک مراقبت به عمل می‌آورد، دریافت نمی‌کند (ودادی، حمید، ۱۳۸۳) و همین، بهداشت روانی او را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

بعد ششم: از زمانی که بشر به خودآگاهی رسیده است، آشکار شده است که افراد در رفتارهای‌شان با یکدیگر متفاوت هستند. یک بُعد خاص از تفاوت‌های فردی، تفاوت‌های میان مردان و زنان است. نظریه‌پردازان از «فروید» تا نظریه‌پردازان شناختی نوین، توجه زیادی به تفاوت‌های جنسیتی مشاهده شده در رفتار نشان داده‌اند.

در این نوع از تفاوت‌ها، زنان در «فنون رفتاری» مناسب‌تر از مردان عمل می‌کنند. آرامش آموزی و خوش‌بینی از جمله‌ی فنون رفتاری است که رفتار فیزیولوژیایی زنان، بهتر به آن پاسخ می‌دهد. شلی تیلور و نیل واینشتین معتقدند که نوع هورمون زنانه استروژن و پروژسترون و جنبه‌های برخاسته از صفت عاطفانه به صورت توامان، قادرند تا امر مراقبه، آرامش آفرینی و خوش‌بینی را به «سود» ایمنی، سلامتی و بهداشت تمام کنند. حتی تا این درجه تاکید شده است که خوشبین‌ها زودتر از بدبین‌ها سلامت خود را باز می‌یابند. چهار محقق (لیدهام، مدیروتیس، مویبره و فرست، ۱۹۹۵) طی پژوهشی مشاهده کردند در میان کسانی که پیوند قلب شده‌اند گروهی که انتظارات خوش‌بینانه داشتند دارای خلق و خوی بهتر، زندگی خوشایندتر و سازگاری بهتر با بیماری خود بودند (هیلگارد، ۲۰۰۸: ۵۱۷).

مطالعه بر رشد جنسی آغازین که قبل از تولد شکوفا می‌شود، نشان می‌دهد که اساساً طبیعت، «موجود مادینه» می‌سازد مگر آن‌که «هورمون آندروژن» مداخله کند (هیلگارد ۲۰۰۸: ۳۷۸). مهم‌ترین هورمون لازم برای رشد دستگاه تناسلی و شکل‌گیری جنسیت مردانه، آندروژن است. هورمونی که فقط در شرایط ترشح آن، جنین موجودی نرینه خواهد شد. به عبارت دیگر، وجود یا عدم وجود کروموزوم نرینه (Y)، صرفاً از این طریق بر رشد جنسیت اثر می‌گذارد که تعیین می‌کند جنین «آندروژن» ترشح خواهد کرد یا نه. رشد کالبدی جنین مادینه به هورمون‌های زنانه نیازی ندارد و فقط کافی است که هورمون‌های مردانه (آندروژن) ترشح نشود. اما، رشد جنین مردانه، به طور قطع به ترشح آندروژن نیازمند است و در غیر ترشح آندروژن، حتی اگر

جنین از لحاظ آرایش ژن‌ها نر (مردانه) باشد، اندام‌های تناسلی زنانه خواهد داشت.

آندروژن، حامل صفات مردانه است و مطالعات انجام شده بر این هورمون تاثیر آن را بسیار فراتر از حیطة‌ی کالبدشناسی نشان می‌دهد. آندروژن پس از این که اندام‌های جنسی را قالب‌ریزی کرد، کار خود را روی «یاخته‌های مغز آغاز می‌کند و از همین نقطه صفات ژنتیکی مردانه بنا نهاده می‌شوند». این اتفاق به مفهوم آن است که اگر نوزاد پسر باشد، اما پسر بودن خود را نه بر اثر آرایش ژنتیک پسرانه، بلکه به علت ترشح آندروژن به دست آورده باشد، او حامل رفتارها و هویتی زنانه اما در قالب کالبدی مردانه است.

آزمایش‌های انجام شده روی موش‌ها و میمون‌ها و کالبدهای مردانه اما با هویت زنانه، حاکی از آن است که آندروژن در دوران بیش از تولد، حجم و جزئیات ساختاری یافته‌های غده‌ی هیپوتالاموس جنین را تغییر می‌دهد و البته هیپوتالاموس غده‌ای است که فرایندهای انگیزشی را در انسان و موش و میمون تنظیم می‌کند. این تاثیرات آندروژن، در واقع «مغز» را نرینه می‌سازد و زمینه‌ساز برخی صفات و رفتارهای نرینه‌ای می‌شود که پس از دو سالگی خود را در رفتارهای پرخاشگرانه، تخریب به جای مراقبه، اغتشاش آفرینی به جای آرامش آفرینی، خشونت به جای عطفوت، برهم‌زدن به جای نظم آفریدن و ... روایت می‌کند.

در یک رشته آزمایش، به میمون‌های باردار آندروژن تزریق شد و پس از وضع حمل، بچه میمون‌های ماده را به دقت بررسی کردند در این بچه میمون‌ها برخی تغییرات کالبدی مربوط به آلت‌تناسلی مشهود بود و علاوه بر این تفاوت وجود رفتارهای بسیار متفاوت با رفتارهای مورد انتظار از بچه میمون‌های ماده بود. این

بچه میمون‌های ماده در بازی‌های معمولی بسیار پرخاشگر، تندخو، پرهیجان و ناآرام بودند. این بچه میمون‌های ماده در بازی‌های دسته جمعی، مایل به حضور در جمع بچه میمون‌های نر بودند و بر عکس بچه میمون‌های ماده که از نزدیک شدن به بچه میمون‌های نر آبا داشتند، این میمون‌های ماده هیچ ترسی نداشتند. این بُن مایه هورمونی، توجیه کننده امر «علاقه مادرانه» است که زمینه‌ساز تسری آن به فراگردهایی چون محیط زیست، آبزیان، فضای سبز، حیوانات خانگی، بهداشت، ایمنی و «امر عطوفت» و «منش حمایت‌ورزی» و «آرامش خواهی» و «خوش‌بینی» است. البته و در این میان، نمی‌توان از اثر نقش اجتماعی و فرهنگی بر رفتارمندی انسانی غافل و تمام ماجرا را منتسب به «هندسه هورمونی» و «آرایش ژنتیک» نمود.

• امر «پول مشترک» و میل اجتماعی زنان

انگیزش و به طور معمول رفتار را به سوی مشوق‌ها هدایت می‌کند که موجب کسب لذت یا رفع حالتی ناخوش‌آیند شود. به بیان دیگر، انگیزش از حالت «هیجانی» برخوردار است. یعنی: انگیزش توانایی و ظرفیت آن را دارد که «رضایت روانی، لذت و یا خشنودی بین اجتماعی و بین فردی» ایجاد کند. حضور و نقش‌آفرینی مستمر و نهادینه شده هیجان‌ها در تجربه‌های زندگی باعث شده است که برخی برای پیدایش تکوینی لذت نقش روان‌شناختی مهمی قایل باشند (کاباناک، ۱۹۹۲). روان‌شناسان در زیربخش روانشناسی عمومی، روانشناسی اجتماعی و روان‌شناسی رفتار و کنش‌ها، نقش لذت را در

شکل دهی رفتار به نوعی «پول مشترک» تشبیه می کنند که ارزش هر عمل را منعکس می کند. برپایه قواعد روان شناسی، به طور معمول «لذت» از محرک های ناشی می شود که بر توان زنده ماندن ما یا فرزندان ما می افزاید.

این «پول مشترک»، با سطح فعالیت دستگاه دوپامینی نرولیمبیک^۹ ارتباط دارد. نورون های این دستگاه در بخش فوقانی ساقه ی مغز قرار دارند و آکسون های آن ها تا پیش مغز کشیده می شود. در صورت کلی این دستگاه در مغز و به عنوان بخشی از فعالیتش، احتمالاً وظیفه ی ایجاد تمایل نسبت به مشوق های گوناگون طبیعی و ساختگی را برعهده دارد (هیلگارد، ۱۳۸۸: ۳۶۳). این دستگاه دوپامینی نرولیمبیک در مرد و زن، اساس یگانه اما انگیزش زایی متفاوت دارد و علت این انگیزش زایی متفاوت ناشی از اثر علل سایر هورمون هاست. به این دلیل، کارایی اثر «پول مشترک» و به لحاظ «امر مادرانه» که میل به سمت انگیزه برای زنده ماندن خود و فرزندان را پدیدار می کند، بر زنان بیش تر است. تسری این انگیزه را در میل به حفظ طبیعت، حفظ ایمنی و جان دیگران، اهمیت قایل شدن به گیاهان، جانوران خانگی و حتی جانوران اهلی ساکن در فضاهای شهری، جاری سازی الگوهای رفتاری «دیگریاری» و «همیاری»، برقراری پیوند عاطفی برون و درون گرایانه به خوبی می توان شاهد بود. نکته مهم و مورد توافق روان شناسان، برخورداری زنان از داشتن یک الگوی کنشی ثابت؛ به مفهوم وجود یک ساختار عاطفی قالبی و قابل پیش بینی در زنان است. این الگوی کنشی ثابت، زیربخشی از نقش پذیری مادری است.

^۹ - mesolimbic dopamine system

• امر بهره‌گیری از مکانیسم‌های دفاعی

زنان استفاده‌ای مکانیسم‌های دفاعی چون «فرافکنی» و «جابه جایی» و «فلسفه بافی» ندارند (هیلگارد ۱۳۸۸: ۵۱۰) به عکس برخوردار از زمینه‌های خوش‌بینی هستند. «فروید» اصطلاح مکانیسم‌های دفاعی را به آن دسته از تدابیر ناهشیار اطلاق می‌کند که آدمی برای حل و فصل هیجان‌های منفی به کار می‌برد. این تدابیر هیجان‌مدار موقعیت تنش‌زا را تغییر نمی‌دهند بلکه فقط شیوه‌ی دریافت یا اندیشیدن شخص را به آن عوض می‌کنند.

زنان تمایل بیش‌تری از مردان برای به کار گرفتن «فنون رفتاری» دارند. پسخوراند زیستی که طی آن فرد می‌کوشد تا بر اساس جنبه‌های فیزیولوژیایی خود، وضع را تغییر دهد، در زنان بیش از مردان نمود دارد. زنان و به پشتوانه فنون رفتاری، به تجربه یاد می‌گیرند تا هم‌اینکه تنشی را احساس کنند، با اتخاذ «رفتار» مناسب فیزیولوژیک، بر آن غالب آیند. به نظر می‌رسد که گریه زنانه، نوعی پسخوراند زیستی برای گریز از تنش‌های عارضی باشد.

بعد هفتم: ناشی از جهت‌گیری تفاوت‌های رفتاری که در فوق به آن‌ها پرداخته شد. زنان دقت نظرهای ویژه‌ای به مسایل زیست محیطی، بهداشت و ایمنی دارند. به یقین بر این اساس است که «زنان همیشه مهم‌ترین پشتوانه جنبش‌های زیست محیطی بوده‌اند. زنان بین ۶۰ تا ۸۰ درصد از اعضای اصلی در اغلب گروه‌های فعال طرفدار محیط زیست را در کشورهای

سوئد، سوئیس، نروژ، هلند، استرالیا، آمریکا، کانادا، فرانسه، انگلستان، ایتالیا، آلمان، ژاپن و کره جنوبی و هنگ کنگ تشکیل می‌دهند. شکاف جنسیتی در مسایل زیست محیطی کم و بیش مشهود است. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که اکثر زنان طرفدار تصویب قوانین سخت‌تر برای حفاظت از محیط زیست و صرف هزینه بیشتر در این زمینه هستند و حس می‌کنند که مسایل زیست محیطی، مسایل «آنان» به شمار می‌آیند، در حالی که زنان از حوزه «مدیریت مسایل زیست محیطی» کنار گذاشته شده‌اند (مشیرزاده، حمیرا، ۱۳۹۰: ۴۲۳-۴۲۲).

حساسیت زنان نسبت به مسایل «زیست محیطی» دارای حساسیتی دوچندان در مسایل زیست شهری و فضاهای عمومی است، موضوعی که اساساً مردان از آن شناختی ندارند. به عنوان نمونه، تصمیم‌سازی‌های مربوط به صرفه‌جویی در مصرف انرژی که اول گام خود را با کاهش روشنایی خیابان‌ها، کرانه‌های ساحلی و آفت نور در کنار گذرهای اتوبانی و بلوارها و پل‌های هوایی برای عبور عابر پیاده آغاز می‌کند، عملاً زنان را در معرض تهدید قرار می‌دهد. اضافه شود محدود ساختن استفاده از خودرو شخصی که می‌تواند برای زنانی که ناچار به رفت و آمد بیشتر در سطح شهر هستند، مسایلی را پیش‌آمد سازد و به این ترتیب باعث کاهش امنیت شخصی آن‌ها شود. به این ترتیب، زنان در «حفظ محیط زیست» حساسیت‌های خاص خود را دارند و به لحاظ وجود «منافع مستقیم» می‌توانند در تعمیق جنبه‌های رسیدگی به مسایل زیست محیطی، بهداشت و ایمنی، موثر و برای تصمیم‌سازی، نافذ و راه‌گشا باشند.

از سویی دیگر و بی‌دلیل نیست که تخریب محیط زیست را در همه‌ی

جنبه‌های خاص خود به مانند جنگلی، شهری، ساحلی و بندری، دریایی، آب و هوا و ... را به طور بنیادی عمل و اقدامی مردانه ببینیم، این زیربخش از جهان بینی مردانه برای تحقق امر سلطه‌جویی است.

زنان دارای «برداشتی متفاوت» از مردان نسبت به طبیعت هستند. زاینده‌گی طبیعت، باز تولید گیاهان، میوه‌ها، حیوانات و تکثیر گل، رشد گیاهان و حیوانات و جلوه‌آرایی محیط مصنوع با الهام‌گیری از مناظر طبیعی، عاملی برای تقویت رویکردهای آنان است در تحقق امر «هماهنگی با طبیعت» و نه «تسخیر طبیعت» که امری مردانه است.

جنبش‌های زیست محیطی متعلق به زنان، شاخه‌های مختلفی دارد که خود نشانگر وجود یکم ارتباط معنایی بین «ایمنی، بهداشت و مسایل زیست محیطی» با «زنان» است. از آن جمله، نگاه شود به جنبش‌هایی تحت عناوین زیر که در تمامی کشورهای اروپایی، ایالات متحده امریکا، کانادا، برزیل، شیلی و در آسیا، ژاپن و کره جنوبی و در اقیانوسیه، استرالیا زنده و پویا هستند:

- جنبش‌های بهداشت و سلامت با حدود ۱۶ زیرمجموعه.
- جنبش‌های ضد سموم با حدود ۱۱ زیرمجموعه.
- جنبش‌های زیست محیطی زنان خانه‌دار با ۱۴ زیرمجموعه.
- جنبش‌های همهانگ با طرح نجات لایه اوزون با ۹ زیرمجموعه.
- جنبش‌های ایمنی زنان در محیط کار با ۱۷ زیرمجموعه.
- جنبش زیست محیطی برای نجات جنگل‌ها با ۷ زیرمجموعه.

- جنبش مبارزه با آلودگی آب دریاها و کرانه‌های ساحلی با ۵ زیرمجموعه.

بُعد هشتم: تغییرهای جدید در فرایند حضور زنان در کنش‌ها و بازیگری اجتماعی، حکایت از شکل‌گیری منطقی یک جریان جنسیتی زنانه دارد. منطقی بودن این موضوع دقیقاً وابسته به امر تلاش جمعی برای نیل به سمت توسعه پایدار و متوازن است که مایل است تا سطح و عمق بهره‌برداری از استعدادهای فردی برپایه «امر جنسیت» را مورد تاکید قرار دهد.

امروزه اصل حاکم بر سازماندهی موسسات از «مدیریت به قصد کنترل موسسه»، به مدیریت برای ایجاد «تعلق رفتاری»، «پیوند عاطفی - کنشی» و به طور کلی رهبری در جهت بهره‌گیری از بهترین استعدادهای افراد تغییر یافته است. این تغییر و در بدو امر به لحاظ دسترسی به بهترین قابلیت برای انطباق ویژگی‌های فردی - شخصیتی شاغل با شغل و کنشگر با موضع عمل (function) است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد «اگر مردان، نمونه مشخص کارگران عصر صنعتی محسوب می‌شوند، در عصر اطلاعات عملاً زنان هستند که نمونه مشخص نیروی کار هستند (نیزبت جان، ۱۳۷۸: ۳۳۶). به طور کلی زنان دو سوم از مشاغل جدیدی را که طی دهه ۱۹۹۰ میلادی ایجاد شده‌اند برعهده گرفته‌اند و تراکم آن‌ها در بخش‌های ارتباطات و اطلاعات و خدمات از همه جا محسوس‌تر است (نیزبت، جان، ۱۳۷۸: ۳۵۴) در بخش خدمات به ویژه در زیربخش مدیریت و کارشناسی ارشد و تحلیل‌گر سیستم‌های بهداشت، ایمنی و زیست محیطی، به طور میانگین، زنان سه چهارم جامعه

کنش گران را در اختیار دارند.

برون از الگوهای مدیریت نظامی گرانه و کنترل کننده، مردان و زنان به طور یکسان قادرند تا الهام بخش تعهد و دلبستگی به کار باشند و در همین زمینه، بهترین استعدادهای مردم را به منصفی ظهور برسانند اما و در این زمینه، زنان موفق تر از مردان عمل کرده‌اند.

امروزه و از ۱۹۹۰ میلادی به این سو، زنان، محیط زیست، ایمنی، بهداشت و جامعه اطلاعاتی - که سه عامل تفکر، کنش و تعهد اخلاقی - رفتاری را بر عامل بازو ترجیح داده است - نویدبخش یک هم‌افزایی و مشارکتی هستند که عملاً بهره‌برداری از قابلیت‌های فردی و جمعی را نمود داده است. عقد زنان با محیط زیست، ایمنی، بهداشت و جامعه اطلاعاتی، در آسمان‌ها بسته شده است و هرکجا که جامعه مبتنی بر درک ایمنی، بهداشت و محیط زیست و اطلاعات شکوفا شود بی‌چون و چرا پای یک زن در میان است.

• بیان یک مصداق جهانی

موسسه‌ی بادی شاپ^{۱۰}، با ۳۵۰ فروشگاه در اروپا، کانادا، استرالیا، خاورمیانه و ایالات متحده آمریکا، یکی از بزرگ‌ترین تولید کنندگان و فروشندگان مواد آرایشی - بهداشتی در سرتاسر جهان است. مواد و

10 - Body shop

فرآورده‌های صد درصد طبیعی این موسسه - مانند پاک کننده‌ی پلک‌های چشم که از جنس «بابونه» است، یا «شیر چنار» برای طراوت پوست صورت - همه بر اساس سنت‌های شفابخشی رایج در افریقا و پولینزی تهیه می‌شود. صاحب این موسسه، آنیتا رادیک، قبلاً یکی از کارمندان جوان سازمان ملل متحد در مناطق یاد شده بود و تهیه‌ی مواد و فرآورده‌های موسسه خود را همه جا یادگرفت. در سال ۱۹۸۸، وی بدون هرگونه تبلیغات سطح فروش خود را ۶۲ درصد نسبت به سال ۱۹۸۷ افزایش داد و به ۸۳/۲ میلیون دلار رساند.

آنیتا مشتریان خود را صرفاً از طریق کسب آگاهی‌های گوناگون در باره‌ی کره‌ی زمین و مخلوقات آن به دست می‌آورد. هیچکدام از فرآورده‌های او روی حیوانات آزمایش نشده‌اند و همه کسانی هم که به او جس می‌فروشد یا عرضه می‌کنند باید رسماً گواهی کنند که آن‌ها نیز مواد پیشنهادی خود را روی هیچ حیوانی آزمایش نکرده‌اند. اعضای ستادی موسسه باید مواد آرایشی طبیعی و محیط پیرامونی را مورد مطالعه قرار دهند. این شرکت در برنامه‌های مخصوص کمک به کودکان فقیر انگلستان، هند و مکزیک نیز مشارکت دارد.

مشتریان جوان این موسسه مراقبت از بدن را با محیط زیست و زندگی جانوران مرتبط می‌سازند. در بازار سهام لندن، برای خریدن سهام این موسسه سر و دست می‌شکنند. محافل مالی از بالا رفتن ارزش سهام این موسسه (که تا سطح ۶۰۰ درصد جهش داشته است) در شگفت مانده‌اند.

آینتا رادیک می‌گوید: «من فقط برای‌شان توضیح می‌دهم که خریدن این سهام به منزله‌ی سرمایه‌گذاری روی مردم است.»

نتیجه‌گیری

با تلخیص یافته‌های تحقیق در یک نمایه دوسویه اثرپذیری و کنش علت و معلولی بین شاخص پایه و نمود و بازتاب رفتاری، می‌توان با توجه به مبنای نظری، نتیجه‌نهایی این تحقیق را گزارش داشت.

مبنای نظری این تحقیق با توجه به فرایند تاریخی آن در سه عصر زمانی - تاریخی (اسپینوزا، برتراند راسل و ژان پیر شانژو) ضمن آن که حکایت از یک بحث ناب و اصیل می‌کند، توضیح دهنده این مهم است که بین عواملی چون: الف) «تعقل» با «سنتز هنجارمندی اعمال انسان» - نظریه متقدم فلسفی اسپینوزا - ب) ارتباط «درست بودن» یک عمل که در میان امکان عمل‌های دیگر، «بهترین نتایج» را به بار آورد - نظریه پنج دهه پیش از برتراند راسل - و ج) معنادار بودن «اصل تعقل» و «اصل حقانیت» با «معقول‌ترین طرح عمل» - نظریه ژان پیر شانژو معاصر - همواره یک رابطه معنادار برقرار است. وجود این ارتباط معنادار بین متغیرهای مرتبط با شایستگی فردی و عمل درست، استخراج یک معنا دال بر «گزینش برپایه صفات جنسیتی»، که بتواند بین شاغل و شغل در حوزه بهداشت، ایمنی و محیط زیست ارتباط پویا و فعال با رعایت سنتز هنجارمند، برقرار سازد و اخذ بهترین نتیجه از یک عمل را که در میان امکان عمل‌های دیگر قابل تایید باشد ممکن سازد، می‌توان گفت که «اصل حقانیت» رعایت شده است.

استنباط و برداشت زنانه	مکانیسم دفاعی	نظریه طرح‌واره جنسیتی	یادگیری اجتماعی و نقش‌های اجتماعی	انگیزه و انگیزش اجتماعی	حمایت اجتماعی مثبت	امر پول مشترک	امر مادرانه	هویت جنسیتی	فیزیولوژی: ک اثر هورمون زنانه	شاخص پایه نمود و کنش
			+	+			+	+		عامل وفاداری
+			+		+					هماهنگی با طبیعت
			+				+	+	+	عامل کنش جنسیتی
	+							+		عامل اثرپذیری از آسیب‌های زیست محیطی
			+				+			کارکرد مفهومی
		+							+	تعادل حیاتی و نیازها
+			+					+		احساس خوش‌بینی
		+						+		زبان و جنسیت
	+	+							+	برانگیختگی هیجانی
		+						+	+	هورمون در برابر محیط
+		+	+	+		+	+			جهت‌گیری جنسی
+	+	+						+	+	هیجان مثبت
	+								+	هیجان منفی
+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	Function

نمایه تطبیق رفتار فیزیولوژیک - شخصیتی زنانه با امر بهداشت، ایمنی و محیط

زیست

ارایه پیشنهادها

پیشنهادهای ذیل، مفهومی خاص و قابل گسترش در تمامی سازمان‌هایی است که به نوعی با بهداشت، ایمنی، محیط زیست و به طور کلی با HSE سر و کار دارند. در این راستا، ارگان‌های محترم دریایی کشور، هم‌چون همیشه می‌توانند پیش قدم در جاری سازی مفاهیم متبادر از این مقاله تحقیقی باشند.

- ۱- مستند کردن داده‌های این مقاله پژوهشی دال بر ترجیح انتخاب بانوان برای نظارت بر امر ایمنی در محیط اسکله، محیط شناور، صدور اجازه خروج از بندرگاه، کنترل ملزوم‌های شناور و تدوین و تبیین معیارهای شایستگی در زیر معیار ایمنی، بهداشت و محیط زیست دریایی، خشکی، جنگلی و ...
- ۲- مطالعه مدل‌هایی برای بهبود مراقبت‌های ایمنی و زیست محیطی دریایی که از سوی بانوان مطالعه، تحقیق و تبیین شود.
- ۳- ارزیابی مقایسه‌ای بین کارکرد زنان و مردان در نوع توجه به مسایل زیست محیطی دریایی و ایمنی و بهداشت محیط، به عنوان یک بُن مایه رفتاری و کنترل عملکرد فرایندی.
- ۴- ارتقا و پیشرفت‌های برنامه‌های ایمنی و برنامه برای پاک نگه‌داری سواحل، بنادر و محیط زیست دریایی، با الهام از زوایای توجه و نگاه زنانه به مسایل ایمنی و محیط زیست و راهبردهای آنان.
- ۵- تعریف یک اداره کل با هدف جاری‌سازی «نظارت امر زنانه بر ایمنی دریانوردی و محیط زیست دریایی، بندری ساحلی». اداره کلی که

بانوان تحصیل کرده رشته‌های ایمنی، بهداشت، زیست محیطی، HSE و ... مسوول ارشد، تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر باشند.

۶- در دستور قرار دادن انجام یک پروژه مطالعاتی فرایندمحور با هدف تبیین شاخص‌های انطباقی کنش با function در چارچوب مطالعات زیست محیطی، ایمنی و بهداشت و (HSE).

Archive of SID

منابع فارسی

- ۱ - خانی، فضیله، ۱۳۸۷، جنسیت و توسعه، نشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران.
- ۲ - نیزبت، جان، پاتریشیا آبردین ۱۳۷۸، دنیای ۲۰۰۰، سیاست، اقتصاد، فرهنگ در قرن بیست و یکم، ترجمه ناصر موفقیان، نشر نی، تهران.
- ۳ - مشیرزاده، حمیرا، ۱۳۹۰، از جنبش تا نظریه اجتماعی، تاریخ دو قرن فمینیسم، نشر شیرازه، تهران.
- ۴ - هیلگارد، زمینه روانشناسی، ۱۳۸۸، ویراستار محمدنقی براهنی، نشر رشد.
- ۵ - ودادی، حمید، جواهری، اشرف، ۱۳۷۸، بررسی و تحلیل نظر بانوان شاغل و خانه‌دار در خصوص اشتغال و خانه‌داری زنان، پروژه مطالعاتی سازمان مدیریت دولتی.
- ۶ - ودادی، حمید، ۱۳۸۳، بررسی جامع مشکلات دریانوردان، به سفارش شرکت کشتی‌رانی جمهوری اسلامی ایران، کانون دریانوردان خیره، مدیر پروژه کاپیتان اردشیر یوسفی.

منابع انگلیسی

- W.H.O. Kobe centre 2001 and 2000 Women and Health: Better health and welfare systems: women's perspectives, proceeding of a who kobe center international Meeting, A waji Island Japan 5-7 April 2000
- W.H.O. Kobe center, "Women and Health", Maximizing womens' capacities and Leadership, Proceeding of WHO Kobe centre, Second International Meeting, Canberra, Australia, 4-6 April 2001.
- "Health, Population and development", WHO Position Paper, Geneva: World Health Organization, 1994, Prepared for the

International Conference on Population and Development, Cairo, 1994.

Nolen – Hoeksema, Susan – 1987. Sex differences in unipolar depression : evidence and theory. Psychological Bulletin 101 – P.256
Smyke, P, “Womens and Health” London and New Jersey : zed Books LTD 1991.

Archive of SID